

نگاهی به سفر لاویان از کتاب مقدس

هادی رحیم زاده

کلیات

مجموعه‌ی کتب مقدس یهود که به اختصار «تَنخ» نامیده می‌شود، دربردارنده کتاب‌هایی است که از طریق مُسِه رَبنو (حضرت موسی) و دیگر پیامبران الهی به یهودیان رسیده و ریشه‌هایی در روح و روان ملت یهود دارند، به حدی که شالوده و اساس معتقدات اخلاقی، رسوم اجتماعی و ایمان یهودیت را تشکیل می‌دهند. یهودیان معتقدند که همه مطالب این کتابها و حتی نحوه جمله‌بندی، گزینش واژه‌ها، حروف و غیره را خداوند متعال به انبیاء الهام فرموده است.

تَنخ یا کتب مقدس یهود، مجموعه‌ای ۲۴ جلدی و دارای سه بخش است: الف: تورا، ب: نَوِئِیم (انبیاء)، ج: کِتوِیِم (مکتوبات). تورا (تورات) به معنای «شریعت» یا «قانون» و مهمترین قسمت تنخ است که از جانب خداوند توسط حضرت موسی (ع) ابلاغ شده و متشکل از ۵ سفر (جلد) است. آنها عبارتند از:

۱- پَرشیت (پیدایش) ۲- شِموت (خروج) ۳- وِیِقرا (لاویان) ۴- بَمیدبار (اعداد) ۵- دِواریم (تثنیه)

تورات با آفرینش جهان آغاز می‌شود و با مرگ مُسِه (حضرت موسی) پایان می‌یابد. این کتاب گاهی با بیان تاریخچه، داستان و نحوه زندگی پیامبران و گاهی هم با بیان صریح اوامر و نواهی همراه است. همچنین همه دستورها و فرمان‌هایی که یک یهودی موظف به اجرای آنهاست (۶۱۳ فرمان)، از آن نشأت گرفته‌اند. تورات راهنمای یهودیان در تمام امور زندگی (در زندگی خصوصی، حیات اجتماعی و اجرای مراسم مذهبی) است.

لاویان سومین جلد از کتابهای تورات در عهد عتیق است. یهودیان و مسیحیان معتقدند که قوانین و مقررات این کتاب در زمانی که بنی‌اسرائیل در کوه سینا اردو زده بودند، به موسی وحی شده است. بیشتر قوانین شرعی یهود درباره طهارت، اخلاق، روزهای مقدس و رسوم مذهبی از این کتاب گرفته شده است.

برخی این کتاب را «کتاب راهنمای کاهنان» نیز می‌نامند. زیرا مراسم مذهبی که کاهنان انجام می‌دادند در این کتاب آمده است. منظور از لاویان همان کاهنان است که از نسل جناب لاوی می‌باشند. کتاب لاویان را موسی هنگام سفر بیابانی بنی - اسراییل نوشته است.

هفت فصل اول کتاب در خصوص شیوه قربانی برای گناهان کاهنان و مردم دیگر نوشته شده است. بقیه فصول کتاب از قواعد مربوط به خوراک پاک و ناپاک، و نیز مقدس داشتن روز سبت و رفتار درست و نادرست سخن می‌گوید.

در کتاب لاویان خداوند به قوم خود وعده می‌دهد که همراه آنان باشد. «در میان شما راه خواهیم رفت و خدای شما خواهیم بود و شما قوم من خواهید بود». کلمه مقدس در این کتاب بارها بکار رفته تا نشان دهد خدا چگونه است و چه رفتاری از قوم خود انتظار دارد. خداوند به آنان می‌فرماید که حفظ احکام و مراسم او باید جزئی از زندگی مردم باشد.

اگرچه این کتاب به عنوان مجموعه‌ای از قوانین محرمانه‌ای از قربانی‌های حیوانی و احکام غسل و ... است ولی در یهودیت بسیار ارزش دارد. در واقع، به طور سنتی اولین آیات از تورات که کودکان یاد می‌گیرند همین کتاب لاویان است.

تاریخچه

قریب به یک سال از رهایی اسرائیلیان که برده مصریان بودند می‌گذشت. آن‌ها به عنوان قومی نوین به سوی سرزمین کنعان در حرکت بودند. مقصود یهوه «خدا» این بود که امتی مقدس در آنجا سکنی گزیند. اما شیوه زندگی و رسوم مذهبی کنعانیان بسیار فاسد بود. از این رو، خدا فرایضی را به جماعت بنی اسرائیل عطا فرمود تا آن‌ها را برای خدمت به خود از دیگر اقوام جدا سازد. این فرایض در کتاب لاویان به ثبت رسیده است. موسی این کتاب را در صحرای سینا و احتمالاً در سال ۱۵۱۲ ق.د.م. نوشت. این کتاب فقط یک ماه قمری از تاریخ قوم بنی اسرائیل را در بر دارد. (خروج ۱۷:۴۰؛ اعداد ۱:۱-۳)

اگرچه مسیحیان به عهد عتیق نیز در کنار انجیل باور دارند اما معتقدند که امروزه شاهدان یهوه تحت شریعتی که یهوه از طریق موسی به قومش داد نمی‌باشند، چرا که مسیح با مرگش به آن شریعت خاتمه داد. (رومیان ۶:۱۴؛ افسسیان ۲:۱۱-۱۶) با این حال قوانین ثبت‌شده در کتاب لاویان را مفید دانسته و آن را همچون سایر تعلیمات یهود در باره ستایش یهوه قرار می‌دهند.

واژه شناسی

عنوان کتاب از نام عبری آن در سپتواجت گرفته شده است که به معنای «مربوط به لاویان» است. عنوان عبری آن (Waygigra یا Vayikra) اولین کلمه از متن عبری کتاب و به معنی «او می‌خواند» است. متن کتاب مربوط به وظایف پسران هارون و سایر لاویان محسوب می‌شود. پس می‌توان گفت این کتاب نام خود را از یکی از اسباط بنی‌اسرائیل، یعنی سبط لاوی گرفته است. کاهنان بنی‌اسرائیل همه از این سبط بودند. و چون این کتاب بیشتر درباره کهنات و وظایف کاهنان سخن گفته به این نام نامیده شده است.

لاویان (۴۶۲۱۱) واژه‌ای عبری است. لاویان «Leviticus» از لاوی یا لوی به معنی نزدیک یا اتصال می‌باشد که بر اساس کتاب پیدایش، لاوی نام یکی از اسباط دوازده‌گانه و در واقع نام سومین پسر یعقوب از لیه است. بنی اسرائیل یا فرزندان حضرت یعقوب در اصطلاح قرآن بر مجموعه یهودیان اطلاق می‌شود و همه اسباط دوازده‌گانه را شامل می‌گردد. اسباط دوازده‌گانه عبارت بوده اند از: ۱ - بنی روئین ۲ - بنی شمعون ۳ - بنی جاد ۴ - بنی یهودا ۵ - بنی یساکار ۶ - بنی زبولون ۷ - بنی یوسف ۸ - بنی بنیامین ۹ - بنی اشیر ۱۰ - بنی دان ۱۱ - بنی نفتالی ۱۲ - لاویان.

هر سبط به نام یکی از فرزندان یعقوب نامیده شده است لیکن به موجب تورات، حضرت موسی سبط لاویان را به شمار نیاورده و افراد آن سبط را مأمور حفظ اشیاء مقدس و متصدی مقام کهنات ساخته است. در عوض بنی یوسف به نام پسران یوسف به سبط یعنی بنی افرایم و بنی منسی تقسیم شدند و حضرت موسی خود نواده افرایم است.

به هر ترتیب در این سفر احکام مربوط به کاهنان یهود که از سبط لاوی‌اند بیان شده است. و از این رو نام این سفر را لاویان گذاشته‌اند.

موضوع کتاب

کتاب آداب قربانی، کتاب احکام، تورات کاهنان و نیز شریعت کاهنان از دیگر نام های سفر لاویان می باشد. موضوع اصلی کتاب لاویان «تقدس» است. «زیرا من یهوه خدای شما هستم، پس خود را تقدیس نمایید و مقدس باشید زیرا من قدوس هستم» (۴۴:۱۱) سفر لاویان را سفر احبار نیز گویند چون سفر لاوی وظیفه کهنه (کاهنان) یهود را معین می کند که یکی از وظایف آنان حفظ قدس الاقداس است و برپایی انواع عیدها است.

تقدس خدا و انسان موضوعی است که در این کتاب به آن پرداخته شده است (انسان بایستی با تقدس خود به خدا احترام بگذارد). لاویان کتابی در خصوص پرستش است. پس از بستن پیمان در سینا، خدا به عنوان پادشاه، تمام قوانین زندگی قوم بنی اسرائیل را وضع کرد.

یهودیان بر این باورند که گرچه این کتاب برای یهودیان باستان نوشته شده ولی اصول آن جاودانه اند و مرتبط با زندگی مومنین امروزه می باشد، و به بررسی اصول و چگونگی پرورش آنها در زندگی روزمره شان می پردازد.

محتوای این سفر از کتاب خروج اخذ شده که در آن چگونگی خروج مردم اسرائیل، ایجاد یک خانه در بیابان آمده و در اینجا قوانین قربانی به لاویان ارائه می شود. قوانین موجود در این کتاب در کوه سینا به موسی داده شد.

در این کتاب توجه خاصی به مراسم مذهبی بنی اسرائیل شده است. آئین قربانی ها که در مکانی مقدس ارائه می گردید، مظهری از تقدس و رحمت خدا بود. قربانی ها تحت کنترل و نظارت کاهنین قرار داشت. هر قربانی علاوه بر داشتن مفهومی خاص برای قوم اسرائیل دارای مفهومی سمبلیک و روحانی بود. از آنجائیکه کاهنان دارای نقش مهم و مخصوصی در تقدیم قربانی ها در اختیار دارند. لذا بخش زیادی از کتاب به انتخاب هارون به عنوان کاهن اعظم و پسرانش به عنوان کاهنان یاور، دستیار او داده شده اند.

بخش قابل توجهی از کتاب به قوانین **tzaraat**، یک تغییر رنگ که به نظر می رسد بر روی پوست، لباس، و یا حتی خانه ها، به عنوان نشانه ای از کمبود معنوی باشد اختصاص یافته است. خونریزی بعد از زایمان، زخم، سوختگی و طاسی، ترشحات بدن مردان، عادات ماهانه زنان همه از عوامل لکه ز (نقص) محسوب شده و مظهر نقص روحانی است که کاملیت روحانی انسان را از بین می برد. بیماری که دچار ضایعات قابل مشاهده پوستی است بایستی همانند خارج شدن آدم و حوا از باغ عدن خارج گردد. چنین شخصی بعد از معاینه توسط کاهن و گذراندن قربانی نقص می توانست دوباره به اردوگاه داخل گردد.

علاوه بر دستورات مربوط به قربانی ها، قوانین شرعی حوزه موضوعاتی از قبیل موضوعات زیر را در بر می گیرد:

غذای پاک و ناپاک (لاویان ۱۱)، تطهیر پس از زایمان (لاویان ۱۲)، بیماری های پوستی (لاویان ۱۳ و ۱۴)، ترشحات بدنی (لاویان ۱۵) خوردن خون (لاویان ۱۷) روابط جنسی (لاویان ۱۸) و روابط اجتماعی (لاویان ۱۹).

مستر هاکس در کتاب قاموس کتاب مقدس می نویسد که «این کتاب می باید از تصنیفات موسی بوده باشد. اگر چه محتمل است که هارون وی را امداد نموده.» این کتاب محتوی تاریخ ماه اول سال دوم بعد از خروج بنی اسرائیل از مصر است.

بررسی متن کتاب

سفر لاویان متشکل از ۲۷ باب می باشد. محتوای این ۲۷ باب را می توان به دو بخش کلی «رویداد محور» و «مردم محور» تقسیم کرد.

بخش اول: رویداد محور شامل فصلهای ۱ تا ۱۰ به این شرح می باشد:

باب ۱ تا ۳؛ تقدیم قربانی و هدایا

باب ۴ تا ۷؛ تقدیم نذورات

باب ۸ تا ۱۰؛ اداره امور کاهنان

بخش دوم: مردم محور شامل فصلهای ۱۱ تا ۲۷ به این شرح می باشد:

باب ۱۱ تا ۱۵؛ پرهیزکاری در زندگی روزمره

باب ۱۶ تا ۱۷؛ پرهیزکاری در زندگی جمعی

باب ۱۸ تا ۲۰؛ پرهیزکاری برای زندگی فردی

باب ۲۱ تا ۲۳؛ کاهن مقدس و عید مقدس

باب ۲۴ تا ۲۷؛ پرهیزکاری در سرزمین مقدس

نزدیک ۹۰ بار از واژه مقدس در این کتاب استفاده شده است. اکنون هر کدام از باب ها را به تفصیل بررسی خواهیم کرد.

۱- کتاب وِیْقِرَا-پاراشای وِیْقِرَا-فصل اول «قربانی سوختنی»

این فصل شامل ۱۷ جزء -آیه- است. به عقیده یهود، خداوند در این فصل به طور مبسوط درباره انتخاب و نحوه قربانی دستوراتی به کاهنان می دهد.

قربانی باید از چارپایان، از گاو و گوسفندان باشد. (۲:۱) تقدیم قربانی موجب عفو گناهان خوانده شده است. (۴:۱)

آیه ۱۱ شمال نکته جالبی است و آن پاشیدن بخشی از خون قربانی به جاهای مختلف قربانگاه است که این عمل بسیار شبیه یکی از سنتهای غلط و غیر مأنور رایج در بین مسلمانان است که بخشی از خون مذبوح را به این طرف و آنطرف می مالند.

(و آن را در سمت شمالی قربانگاه در حضور خداوند ذبح نماید. فرزندان اَهرُون (هارون) که گوِهِن (کاهن) هستند خونش را بر اطراف (قسمت بالای) قربانگاه پاشند.)

آیه ۱۳ و ۱۷ مطلبی را در مورد خوشایند بودن بوی قربانی برای خداوند مطرح می کند که طبق آموزه های اسلامی این باوری دون شأن خداوند است.

(و احشاء و پاچه ها را با آب بشوید و گوِهِن (کاهن) تمام آن را نزدیک قربانگاه آورده دود کند. برای خداوند بوی قربانی سوختنی یا طعمه ی آتش (قربانگاه) خوشآیند میباشد.)

در ادامه آداب قربانی پرندگان که از قمری یا جوجه کبوتر انتخاب می شود را بیان می کند. که آیه ۱۵ آن در مورد نحوه ذبح کبوتر با ناخن توسط کاهن، قابل تأمل است.

(کوهن (کاهن) آن را نزدیک قربانگاه آورده سرش را پیچانده، با ناخن از قفا تا پوست گلو قطع کند و بر قربانگاه دود نماید و خونس بر دیوار قربانگاه ریخته شود).

۲- وَبَيِّقْرًا-فصل دوم «قربانی هدیه آردی»

این فصل شامل ۱۶ آیه است. احکام مربوط به هدیه آرد و نان و شیوه ارائه آن به خداوند در این فصل مطرح می شود و اینکه کاهن مقداری را در راه خدا آتش و دود کرده و باقی را برای خود برمی دارد. در میان هدیه ها این به عنوان هدیه فوق العاده مقدس مطرح است.

(و باقیمانده ی آن هدیه ی آردی برای اهرُون (هارون) و پسرانش خواهد ماند. در میان هدیه های طعمه ی آتش (قربانگاه) متعلق به خداوند این (هدیه) فوق العاده مقدس است. (۳:۲)

یکی دیگر از آیه های مورد توجه در این باب آیه ۱۳ است که ظاهر آیه معنای سخیفی دارد و چنان می نماید که خداوند موجودی است جسمانی نعوذ بالله که از وجود نمک در هدایا خرسند می شود.

(و هر تقدیمی، هدیه ی آردیت را نمک بزن و نمک (نشانه ی) پیمان خداوندت را از هدیه ی آردیت قطع نکن. با هر قربانیت نمک تقدیم نما.)

در تفسیر این آیه گفته شده: «این کار برای خوش طعم کردن قربانی ها نبود. در سراسر جهان از این ماده برای جلوگیری از فساد مواد غذایی استفاده می شود. احتمالاً نمک با هدایا گذرانده می شد چون نمایانگر رهایی از فساد بود.» ولی به نظر توجیه معقولی نیست.

۳- وَبَيِّقْرًا-فصل سوم «ذبیحه سلامتی»

این بخش شامل ۱۷ آیه است و در مورد قربانی برای سلامتی فرد از بز و شیوه ذبح و سوزاندن آن توسط کاهن مطرح می گردد. بعضی از هدایا و قربانی هایی که در شریعت یهود از آن ها نام برده شده است تبرّعی (داوطلبانه) و بعضی دیگر نذری (واجب) بودند. برای مثال، قربانی سوختنی تبرّعی بود و تمامی آن به یهوه اهدا می شد. مثلاً مسیحیان بر این باورند که عیسی مسیح تمامی وجود خود را با رضایتمندی برای رهایی بشر قربانی کرد. ذبیحه سلامتی هم که تبرّعی بود، به چند پاره تقسیم می شد تا همه در آن شریک باشند. یک قسمت روی مذبح به خدا اهدا می شد، قسمتی دیگر به کاهن تعلق می گرفت و قسمت آخر به فردی که آن را اهدا کرده بود.

در آیه آخر دستور صریحی برای عدم اکل از پیه و خون چنین قربانی است.

(برای نسلهای شما قانون ابدی باشد. در هر جایی باشید هیچ پیه ی (از چارپایانی که از آن ها قربانی تقدیم میشود) و هیچ خونی نخورید.)

یهودیان معتقدند که: «چون پیه بهترین و شایسته‌ترین قسمت از قربانی بود منع خوردن آن به قوم اسرائیل گوشزد می‌کرد که بهترین قسمت به یَهُوه متعلق می‌باشد. (پیدایش ۱۸:۴۵) این امر به ما یادآوری می‌کند تا با دل و جان و همه توان خود به یَهُوه خدمت کنیم.»

۴- وَبَيِّنًا-فصل چهارم «قربانی گناه»

این فصل دارای ۳۵ آیه است. محور بحث، یکی از قربانی‌های نذری یا واجب یعنی قربانی گناه است. اگر کسی اشتباهاً از بین همه ی فرامین خداوند یکی از اعمال ناکردنی را انجام داده (۴:۲) یا اگر کاهنی که مسح شده است خطایی بکند و قوم را گناهکار نماید، برای خطایی که کرده است گاو نر جوان بی عیبی را به عنوان قربانی گناه به درگاه خداوند تقدیم بدارد. (۴:۳)

همچنین این قربانی برای بخشش خطاهای تمام جماعت اسرائیل (آیه ۱۳)، خطای رئیس (آیه ۲۲)، خطای شخصی از مردم عادی (آیه ۲۷) کارساز است. روش قربانی گناه برای افراد خصوصی، مقامات دولتی، و موارد گناه جمعی متفاوت می‌باشد.

۳۵. کاهن بخاطر خطایی که او مرتکب شده برای وی طلب عفو کند، او بخشوده می‌گردد.

در آیه ۶ و ۷ و ۱۷ و ۱۸ و ۲۵ و ... به صراحت بر مالیدن بخشی از خون قربانی بر جاهای مختلف تاکید دارد.

۶. کاهن انگشتش را در آن خون فرو برده و هفت مرتبه در حضور خداوند از آن خون در برابر پرده ی جایگاه لوحه های ده فرمان مکان مقدس بیفشاند.

۷. کاهن از آن خون بر روی شاخهای قربانگاه ... بمالد و تمام (بقیه ی) آن خون را نزدیک پایه ی قربانگاه سوختنی ... بریزد.

۵- وَبَيِّنًا-فصل پنجم

این فصل با ۲۶ آیه در ادامه فصل قبلی به بیان موارد وجوب قربانی گناه می‌پردازد. در چند آیه نخست، مواردی که موجب واجب شدن قربانی در اثر خطاهای شخص می‌شود را بیان می‌کند. قدم نخست اعتراف به جرم و قدم بعدی تقدیم قربانی است. در تقدیم قربانی هم تخفیفی در انتخاب نوع قربانی باتوجه به توانایی مالی افراد وجود دارد. مثل بره گوسفند، اگر نبود دو فاخته یا دو جوجه کبوتر و اگر نبود مقداری آرد و روغن.

۱. شخصی که (به علت ندادن شهادت) خطا کند یعنی صدای نفرین (مظلوم) را بشنود و در حالی که او شاهد بوده یا دیده یا دانسته باشد اطلاع ندهد گناه آن (مظلوم) را به گردن خواهد گرفت ...

۲. یا شخصی که هر چیز ناپاکی را؛ خواه لاشه ی حیوان ناپاک و خواه لاشه ی چارپای ناپاک و خواه لاشه ی خزنده ی ناپاکی (حشرات نجس) را لمس نموده، حتی اگر ندانسته این کار را کرده باشد، نجس و مجرم است ...

۳. یا اگر کسی نجاست آدم، یعنی هرگونه چیز ناپاک وی را که به وسیله ی آن (انسان) ناپاک میشود لمس نموده حتی اگر ندانسته این کار را کرده باشد، وقتی متوجه شد چه کرده است مجرم میباشد...

۴. یا شخصی که برای بدی کردن یا خوبی کردن (به خود) منظور خود را با سوگند از دهان درآورده باشد یا برای اجرای هر نوع عمل دیگری سوگندی بر زبان رانده و از خاطرش رفته باشد و او (شاهد) آگاهی یافته و به خاطر یکی از این موارد مجرم شود ...

۵. همین که به خاطر یکی از این موارد مجرم گردد (باید) آن خطایی را که مرتکب شده است اعتراف نماید.

۶ و به خاطر خطایی که مرتکب شده است جریمه اش را برای خداوند ماده بره ای از گوسفندان یا بز جوان ماده ای برای قربانی خطا بیاورد و گُوِهِن (کاهن) به خاطر خطایش برای او طلب عفو کند.

در ادامه به بررسی قربانی جبران می پردازد. چنانچه قصور و خطایی در دادن هدیه و قربانی به خداوند صورت گیرد باید طبق آنچه بیان می شود ضمن باز پرداخت هدیه، یک پنجم ارزش آن را نیز برآن افزوده همه را به کاهن بدهد. کاهن با آن قوچ قربانی جبران برایش کفاره می کند و او بخشیده می شود. (۵:۱۵.۱۶)

مجددا در آیات ۱۷ تا ۱۹ به بیان قربانی تقصیر برای شخصی که ندانسته مرتکب خطایی شده می پردازد.

ادامه آیات تا پایان فصل نیز شامل دستوراتی در باب اخلاق جمعی ارائه است. خداوند این دستورات را به موسی می دهد: هرگاه کسی نسبت به من گناه کرده، از پس دادن چیزی که پیش او گرو گذاشته شده خودداری نماید یا در امانت خیانت ورزد، یا دزدی کند یا مال همسایه اش را غضب نماید، و یا اینکه درباره چیز گمشده ای که پیدا کرده است دروغ بگوید و قسم بخورد که پیش او نیست، روزی که جرم او ثابت شود باید اصل مال را پس دهد و یک پنجم ارزش آن را نیز به آن افزوده، به صاحب مال بپردازد. (۲۱ تا ۲۴)

پس از جبران اشتباه، با تقدیم قربانی گناه شخص بخشیده می شود.

۶- وَبَيِّفْرَا- پاراشای صَوّ-فصل ششم

این فصل دارای ۲۳ آیه است که شامل قوانین و مقررات قربانی سوختنی، مقررات هدیه آردی و مقررات قربانی گناه می باشد. در قربانی آردی، کاهن اجازه ندارد از گوشت قربانی استفاده کند.

(۱۶) هر هدیه آردی کاهن تماماً سوخته شود و خورده نشود.

ولی در قربانی گناه میتواند از گوشت آن بخورد.

(۱۹) کاهنی که قربانی را به صورت قربانی خطا تقدیم می کند، گوشت آن را در حیاط عبادتگاه که جای مقدسی است، بخورد.

(۲۰) فقط کسانی که تقدیس شده اند، یعنی کاهنان، اجازه دارند به این گوشت دست بزنند. اگر خون آن قربانی به لباس

ایشان بپاشد باید لباس خود را در مکانی مقدس بشویند.

قربانی گناه و قربانی جرم هر دو نذری یا واجب هستند. قربانی گناه کفّاره معصیت‌هایی بود که سهوا و نه از روی قصد انجام گرفته بود. و قربانی جرم کفّاره پایمال کردن حق فردی بی‌گناه بود که یَهْوَه را از فرد مجرم راضی می‌ساخت و حقوقش را به او باز می‌گرداند. همچنین هدیه آردی که به شکرانه بخشندگی و گشاده‌دستی یَهْوَه بود.

۷- وَبَيِّفْرَا- صَوّ-فصل هفتم

این فصل شامل ۲۸ آیه می باشد که چهار موضوع را بیان می کند. از آیه ۱ تا ۱۰ مقررات قانون قربانی جرم یا جبران تقصیر می باشد.

۱. قانون قربانی تقصیر این است، فوق العاده مقدس میباشد.

۶. هر مذکری از کاهن ها می تواند از آن بخورد. این گوشت باید در جای مقدسی خورده شود. این قربانی، بسیار مقدس است.

آیه ۱۱ تا ۲۱ قانون ذبیحه سلامتی را مطرح می کند.

در آیه ۱۶ اجازه خوردن گوشت قربانی را در صورتی که داوطلبانه باشد می دهد.

۱۶. و اگر ذبح تقدیمی او به صورت نذر یا داوطلبانه باشد در روزی که ذبح خود را تقدیم می دارد خورده شود و باقیمانده ی آن هم فردای آن روز خورده شود.

آیات ۱۹ تا ۲۱ در مورد طرد شدن شخص ناپاکی است که از گوشت پاک خورده است.

۱۹. گوشتی را که به چیزی نجس خورده است نباید خورد، بلکه باید آن را سوزاند. گوشت قربانی را فقط کسانی می توانند بخورند که طاهر هستند.

۲۰. هر که طاهر نباشد و گوشت قربانی سلامتی را بخورد باید از میان قوم خدا طرد شود زیرا این قربانی، مقدس است .

۲۱. هر کس به چیزی نجس دست بزند، خواه نجاست انسان باشد، خواه حیوان نجس و یا هر چیز نجس دیگر، و بعد از گوشت قربانی سلامتی بخورد، باید از میان قوم خدا طرد شود زیرا این قربانی، مقدس است .

آیات ۲۲ تا ۲۷ شامل دستور خداوند به قوم بنی اسرائیل در مورد قوانین مربوط به پیه و خون می باشد.

۲۳. به فرزندان اسرائیل بگو: هیچ نوع پیه گاو و گوسفند و بز نخورید.

۲۴. و پیه مردار یا ذبح حرام (نولا) و پیه حیوان نخجیرشده یا حیوانی که نقص شرعی دارد (طریفا) برای هر مصرفی به کار برده شود، ولی هرگز آنرا نخورید.

۲۵. زیرا هرکس پیه چارپایی را که از آن هدیه ی طعمه ی آتش برای خداوند تقدیم خواهد نمود بخورد، از قومش طرد خواهد شد.

۲۶. هرگز خون نخورید، نه خون پرنده و نه خون حیوان چهارپا. هرکس ، در هر جا، خون بخورد، باید از میان قوم خدا طرد شود.

از آیه ۲۸ تا پایان فصل نیز در مورد حصه یا سهم کاهن از قربانی بیان می شود.

۳۱. و گوهن (کاهن) پیه را بر قربانگاه دود کند و سینه مال آهرون (هارون) و فرزندانش باشد.

۳۲. و از ذبجهای سلامتتان ساق راست را به گوهن (کاهن) پیشکشی بدهید.

این سهم را از روز انتصاب هارون و پسرانش به خدمت خداوند، تا همه نسلهای شان به ایشان داده شد.

۳۵. از روزی که (خداوند) آهرون (هارون) و پسرانش را انتصاب کرد که برای خداوند خدمت کنند، از هدیه های طعمه ی آتش (قربانگاه) خداوند این (ها) را سهم آن ها قرار داده است.

۳۶. در روزی که ایشان مسح شدند، خداوند دستور داد که قوم اسرائیل این قسمت را به ایشان بدهند. این ، قانونی برای تمام نسلهای ایشان می باشد.

و با این جمله تمام احکام مربوط به قربانی ها را به پایان می برد که:

۳۷ و ۳۸. این است قانون قربانی سوختنی، هدیهی آردی، قربانی خطا، قربانی تقصیر-جبران- و تقدیس-انتصاب به کهانت- و ذبح سلامتی. که خداوند در بیابان، در کوه سینا به موسی داد تا قوم اسرائیل بدانند چگونه قربانی های خود را به خداوند تقدیم کنند.

۸- وَیِیْفَرَا- صَو- فصل هشتم

این فصل از لاویان دارای ۳۶ آیه بوده و در مورد نحوه مسح هارون و پسرانش به دستور خدا توسط حضرت موسی می باشد. یهودیان بر این باورند که چون هارون بخاطر خطای گوساله پرستی شرمنده بود که وارد کارهای مقدس شود خداوند به حضرت موسی می فرماید او را «بگیر» یعنی با حرف های دلپذیر او را راغب ساز تا مسئولیت کارهای مقدس را به عهده گیرد. البته این برخلاف مقام نبوتی است که در قرآن برای حضرت هارون بیان شده است.

۲۱. خداوند به مُشه (موسی) چنین سخن گفت: اَهْرُونَ (هارون) و پسرانش همراه او و لباسها و روغن مسح و آن گاو قربانی خطا و آن دو قوچ و آن سبد فطیرها را بگیر.

در ادامه به نحوه ی تقدیس هارون و فرزندان او توسط جناب موسی می پردازد.

۶. آنگاه موسی، هارون و پسرانش را فراخواند و ایشان را با آب غسل داد.

۷. پیراهن مخصوص کاهنی را به هارون پوشانید و کمر بند را به کمرش بست. سپس ردا را بر تن او کرد و ایفود را بوسیله بند کمر آن بر او بست.

۸. بعد سینه بند را بر او بست و اوریم و تمیم را در آن گذاشت.

«ایفود» جلیقه ی مخصوصی بود که کاهن روی لباسهای خود می پوشید. «اوریم و تمیم» دو شیء بودند که جهت پی بردن به خواست خدا، بوسیله کاهن بکار می رفتند. این موارد نشان از خرافه پرستی یهود دارد.

بعد از پوشیدن لباسهای مخصوص مراسم قربانی انجام می شود. موسی قربانی را ذبح می کند و با کمک هارون و پسرانش آن را می سوزانند. سپس موسی به هارون دستور می دهد که مقداری از گوشت قربانی را با پسرانش بخورد و تا پایان هفت روز و اتمام انتصاب شان از درگاه چادر بیرون نروند. فلذا عدد ۷ جزو اعداد مقدس یهود به شمار می رود. چنانچه عید فصح نیز ۷ هفته طول می کشد.

۳۱. مُشه (موسی) به اَهْرُونَ (هارون) و پسرانش گفت: این گوشت را جلو درگاه چادر محل اجتماع بپزید و آن را با نانی که در سبد منصوبدگان (یعنی گوهن کاهن ها) است در آن جا بخورید. همان طوری که دستور داده گفتم اَهْرُونَ و پسرانش آن را بخورند.

۳۲. و باقیماندهی آن گوشت و آن نان را با آتش بسوزانید.

۳۳. هفت روز تا پایان یافتن روزهای انتصابتان از درگاه چادر محل اجتماع بیرون نروید، زیرا هفت روز (طول میکشد) تا شما را منتصب کند.

۳۴. خداوند فرموده است همان طوری که امروز (مُشه موسی) عمل کرد عمل کنید تا شما را ببخشد.

۳۵. هفت شبانه روز جلو درگاه چادر محل اجتماع بمانید و امر خداوند را رعایت کنید تا نمیرید زیرا چنین دستور گرفتم.

۳۶. اَهِرُون (هارون) و پسرانش تمام مطالبی را که خداوند به وسیله ی مُشه (موسی) امر کرد، انجام دادند.

۹- پاراشای شِیمینی -فصل نهم

این فصل با ۲۴ آیه شروع به کار کاهنان و تقدیم قربانی توسط آنان را بیان می کند.

۱. در روز هشتم بود که مُشه (موسی)، اَهِرُون (هارون) و پسرانش و پیران ییسرائل (اسرائیل) را فرا خواند.
 ۲. به اَهِرُون (هارون) گفت: گوساله ی نر جوانی برای خودت به عنوانی قربانی خطا و قوچی برای قربانی سوختنی (هر دو را) بی عیب بگیر و به حضور خداوند تقدیم کن.
 - ۳ و ۴. و به فرزندان ییسرائل (اسرائیل) چنین بگو. برای قربانی خطا، بز نر جوانی و برای قربانی سوختنی، گوساله و بره ای (هشت روزه تا یکساله همه را) بی عیب بگیرید. و برای قربانی سلامتی، گاو و قوچی به منظور ذبح به حضور خداوند و هدیه ی آردی سرشته شده در روغن. چون که امروز (جلال) خداوند به شما ظاهر میشود.
- بعد از انجام مراسم قربانی، هارون از قربانگاه پایین آمده و دعا می کند. و سپس با موسی به چادر محل اجتماع آمده و برای قوم اسرائیل دعا می کنند. در این هنگام خداوند بر جماعت ظاهر می شود.
۲۲. اَهِرُون (هارون) دستانش را به سوی آن قوم بلند نمود. ایشان را دعا کرد. پس از تقدیم قربانی خطا و قربانی سوختنی و قربانی سلامتی (از بالای قربانگاه) پایین آمد.
 ۲۳. مُشه (موسی) و اَهِرُون (هارون) به چادر محل اجتماع آمدند، خارج شده و آن قوم را دعا نمودند. جلال خداوند بر تمام آن قوم ظاهر شد.
 ۲۴. از حضور خداوند آتش خارج شده آن قربانی سوختنی و آن پیه ها را روی قربانگاه سوزانید. بنی اسرائیل وقتی این را دیدند، فریاد برآورده، در حضور خداوند به خاک افتادند.

۱۰- شِیمینی -فصل دهم «گناه ناداب و ابیهو»

فصل دهم با ۲۰ آیه در مورد گناه دو پسر جناب هارون یعنی ناداب و ابیهو و اهمیت تقدیس صحبت می کند.

۱. ناداو و ابیهو پسران اَهِرُون (هارون)، برخلاف امر خداوند، آتش غیر مجاز بر آتشدان خود نهادند، بر آن بخور گذاشتند و به حضور خداوند تقدیم کردند.
 ۲. ناگاه آتش از حضور خداوند بیرون آمده، آنها را سوزاند و آنها در همانجمله در حضور خداوند مردند.
- سپس جناب موسی دستور می دهد تا جنازه این دو را از خیمه قدس بیرون ببرند. آنگاه موسی به هارون و دو پسر دیگرش العازار و ایتامار دستور به قربانی می دهد.
۴. مُشه (موسی)، میشائیل و الصافان، پسران عوزیئیل عموی اَهِرُون (هارون) را صدا زده به آنها گفت: نزدیک رفته (جسد) برادرانتان را از محل مقدس به خارج از اردوگاه حمل نمایید.

۵. همان‌طور که مُشه (موسی) گفت (عموزاده‌های اَهْرُون (هارون)) نزدیک رفته (جسد) آن‌ها را با پیراهن‌هایشان از اردوگاه به خارج حمل نمودند.

۶. مُشه (موسی) به اَهْرُون (هارون) و العازار و ایتامار پسران وی گفت: موی سر خود را بلند نکنید و لباس‌هایتان را چاک ندهید مبدا بمیرید یا (خداوند) بر تمام جماعت غضب کند. برادران شما و تمام خاندان ییسرائل (اسرائیل) به علت این آتشسوزی که خداوند ایجاد کرد گریه کنند.

۷. از درگاه چادر محل اجتماع بیرون نروید مبدا بمیرید زیرا روغن مسح خداوند بر شما می‌باشد. آن‌ها طبق سخن مُشه (موسی) عمل کردند.

بعد از این واقعه خداوند دستور به تحریم شراب و مسکرات را برای یهود صادر می‌کند. اینکه بلافاصله بعد از رفتار ناشایسته ناداب و ابیهو در انجام وظیفه کهانت، یَهُوه استفاده از شراب یا مُسکرات را هنگام خدمت در معبد منع کرد، (۹:۱۰) نشانگر آن است که احتمالاً هر دو پسر هارون در واقعه‌ای که در اینجا به آن اشاره شده است تحت تأثیر مُسکرات بوده‌اند. اما دلیل اصلی مرگ آن دو بخوری بود که به حضور خدا آوردند، و آن «آتش غریبی» بود «که یَهُوه ایشان را نفرموده بود.»

۸ و ۹. آنگاه خداوند به هارون گفت: وقتی به خیمه عبادت می‌روید، هرگز شراب یا مشروبات مست کننده دیگر ننوشید مبدا بمیرید. این قانونی است دایمی برای تو و پسرانت و تمام نسل‌های آینده‌ات.

۱۰. شما باید فرق بین مقدس و نامقدس، و نجس و طاهر را تشخیص دهید.

۱۱. باید تمام دستورات مرا که توسط موسی به قوم اسرائیل داده‌ام، به آنان تعلیم دهید.

۱۱- شِمینِی - فصل یازدهم «غذای پاک و نجس»

این فصل با ۴۷ آیه جزو باب‌های طولانی سفر لایوان می‌باشد. احکام مربوط به حیوانات حلال گوشت و حرام گوشت در این فصل بیان می‌گردد. از تمام چارپایان و حیوانات روی زمین فقط اینها جواز خورده شدن دارند:

۱۳. از چارپایان، هر سمداری را که بین سمها شکاف دارد و نشخوار کننده است، بخورید.

۴. اما از نشخوارکنندگان و سمداران اینها را نخورید. شتر که نشخوار کننده است ولی سم شکافدار ندارد برای شما ناپاک است.

۵. و خرگوش کوتاهگوش که نشخوار کننده است و سم شکافدار ندارد برای شما ناپاک است.

۶. و خرگوش دراز گوش که نشخوار کننده است و سم شکافدار ندارد برای شما ناپاک است.

خوردن گوشت خوک و حتی لمس آن نیز جایز نمی‌باشد.

۷. و خوک که سم درمی‌آورد و شکاف هم بین سم دارد ولی نشخوار نمی‌کند برای شما ناپاک است.

۸. از گوشتشان نخورید و لاشه‌ی شان را لمس نکنید، برای شما ناپاکند.

در میان موجودات آبی اینها را می‌توان خورد:

۹. از هر چه که در آب است اینها را بخورید: هر کدام در آبها، در دریاها یا در رودهاست و باله و فلس دارد آن‌ها را بخورید.

۱۰. و هرچه در دریاها و در رودها یعنی هر موجود آبی و هر جانوری که در آب است اگر باله و فلس نداشته باشد برای شما تنفرآور (و ناپاک) میباشد.

۱۱. برای شما تنفرآور (و ناپاک) باشند از گوشتشان نخورید و به لاشه ی آنها دست نزنید که تنفرآور (و ناپاک) است.

در میان پرندگان هم اینها را نباید خورد:

۱۳. اینها را از بالداران تنفرآور (و ناپاک) بدانید. خورده نشوند. تنفرآور (و ناپاک) هستند. عقاب و مرغ استخوانخوار و عقاب دریایی.

۱۴. کرکس و قوش به نوعش.

۱۵. هر کلاغی به نوعش.

۱۶. شترمرغ و کوکو و مرغ نوروزی و باز به نوعش.

۱۷. بوم، قرقه‌قاز و جغد.

۱۸. جغد شاخدار و مرغ سقا و لاشخور.

۱۹. لک لک و مرغ ماهیخوار به نوعش و هدهد و خفاش.

احکام حشرات نیز بدین صورت می باشد که:

۲۰. هر حشره ی بالداری که بر چهارپا می رود برای شما تنفرآور (و ناپاک) است.

۲۱. ولی از هر حشره ی بالداری که بر چهارپا (پا) می‌رود اینها را بخورید. آنهایی که بالای پاهایشان پای (خمیده) دارند که به وسیله ی آنها روی زمین بجهند.

۲۲. اینها را از این (نوع) بخورید. انواع (ملخ): آریه، سلعام، خرگول، حاگاو.

۲۳. و هر حشره ی پرنده ای که چهارپا دارد برای شما تنفرآور (و ناپاک) است.

به واسطه ی لمس لاشه ی موجودات زیر، شخص تا غروب ناپاک است. وقت غروب پاک می شود ولی همچنان گنه کار می ماند.

۲۶. هر چهارپایی که سمدار است و شکاف ندارد و نشخوار نمیکند برای شما ناپاک است. هر که آنها را لمس کند ناپاک میگردد.

۲۷. از حیواناتی که بر چهارپا راه می‌روند، هرکدام بر کف پاهایش راه برود برای شما ناپاک است. هرکس لاشه ی آنها را لمس کند تا غروب ناپاک میماند.

۲۸. و هرکس لاشه ی آنها را بردارد لباسهایش را بشوید، تا غروب ناپاک است. برای شما ناپاک هستند.

در میان جنبده های روی زمین هم موارد زیر ناپاک هستند:

۲۹. و از جنبنده هایی که روی زمین زیاد تولید مثل می کنند برای شما اینها ناپاکند: موش کور و موش و لاک پشت به نوعش.

۳۰. مارمولک گرمسیری و بزوجه و مارمولک و چلپاسه و حربا.

۳۱. این‌ها در تمام جنبه‌ها برای شما ناپاک هستند. هر کس بدن آن‌ها را از لحظه مردن لمس کند تا غروب ناپاک است.

۳۲. و هر چه که قسمتی از مرده ی آن‌ها به رویش بیفتد ناپاک میشود. از قبیل هر اسباب چوبی یا پارچه ای یا چرمی یا از جنس گونی و هر وسیله ای که به کار گرفته میشود (که ناپاک شده باشد) اگر داخل آب برده شود تا غروب ناپاک است سپس پاک میشود.

۳۳. و هر ظرف سفالین که از آن‌ها به داخلش بیفتد تمام آنچه که در داخلش باشد ناپاک خواهد شد و آن‌را بشکنید.

۳۴. هر نوع خوراکی که خورده میشود چنانچه به آن (قبلاً) مایعات رسیده باشد ناپاکی پذیر است و هر نوع نوشیدنی قابل نوشیدن در هر ظرفی که باشد ناپاکی پذیر است.

۳۵. و هر چه که از لاشه ی آن‌ها بر آن افتد ناپاک میگردد. تنور و اجاق خراب شود، ناپاک هستند و (اگر آن‌ها را تطهیر نکنید) برای شما ناپاک خواهند ماند.

۳۶. اما چشمه و چاه و برکه آب قابلیت طاهر شدن دارند و کسی که (در حین غسل) با لاشه ی آن (چیز) ها (ی ناپاک) تماس یابد ناپاک خواهد ماند.

۳۷. و هرگاه از لاشه ی آن‌ها روی هر بذر کاشتنی که کاشته خواهد شد بیفتد، (آن بذر) پاک است.

۳۸. و چنانچه (قبلاً) روی آن بذر مایعات ریخته شده باشد و (بعد) از لاشه ی آن‌ها روی آن بیفتد برای شما ناپاک است.

۳۹. هرگاه (یکی) از چارپایانی که برای شما خوردنی است بمیرد، کسی که لاشه اش را لمس کند تا غروب ناپاک خواهد بود.

۴۰. کسی که از لاشه اش می خورد لباسش را بشوید تا غروب ناپاک خواهد بود و کسی که آن را بر میدارد لباسش را بشوید تا غروب ناپاک خواهد بود.

۴۱. و هر حشره ای که روی زمین حرکت دارد تنفرآور و ناپاک است خورده نشود.

۴۲. در میان همه ی حشراتی که روی زمین حرکت دارند آن‌هایی را که بر شکم راه میروند و آن‌هایی را که بر چهارپا یا بر پاهای بسیاری راه میروند نخورید چون که تنفرآور و ناپاک هستند.

در آخر فصل با تاکید به یهودیان دستور می دهد که به خاطر چیزهای کم ارزش خود را ناپاک نکنند و خود را مقدس نگه دارند چون خدا مقدس است و بنده مقدسی برای خود می خواهد.

۴۳. روحهای خود را با خوردن هر جنبه ی ناپاکی پلید نکنید و به وسیله ی آن‌ها خود را ناپاک نسازید زیرا با (خوردن) آن‌ها خرف خواهید شد.

۴۴. زیرا من خداوند خالق شما هستم. خود را آماده بسازید که مقدس (و مختص من) شوید، چون که من مقدسم. جان‌هایتان را با (خوردن) هر جنبه ی ناپاکی که روی زمین حرکت میکند ناپاک نکنید.

۴۵. چون که من خداوند هستم که شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم تا داور شما باشم. پس نظر به این که من مقدسم شما مقدس باشید.

۱۲- پاراشای تَزْرِیع-فصل دوازدهم «تطهیر مادر»

- این فصل کوتاه با ۸ آیه درصدد بیان احکام طهارت بعد از زایمان است. طبق آیه ۳، ختنه پسران برای یهود واجب است.
۲. هرگاه زنی پسری بزاید، آن زن تا مدت هفت روز شرعاً نجس خواهد بود، همانگونه که به هنگام عادت ماهانه‌ی خود نجس است
۳. در روز هشتم گوشت غُلفه او مختون شود.
۴. زن باید مدت سی و سه روز صبر کند تا از خونریزی خود کاملاً طاهر گردد. در این مدت او نباید به چیز مقدسی دست بزند و یا وارد عبادتگاه شود.
۵. هرگاه زنی دختری بزاید، آن زن تا دو هفته شرعاً نجس خواهد بود همانگونه که به هنگام عادت ماهانه خود نجس است. او باید شصت و شش روز صبر کند تا از خونریزی خود کاملاً طاهر شود.
- وقتی این مدت تمام شد، مادر موظف است یک قربانی سوختنی و یک قربانی گناه تقدیم کند. کاهن این ها را می گیرد و برای خدا قربانی کرده و برای مادر کفاره می کند. بعد از این مرحله مادر از خون ریزی زایمان پاک می گردد. البته مادران فقیر می توانند به جای بره، دو قمری یا دو جوجه تقدیم کنند.

تفسیر عالمان یهودی درباره‌ی خطای زن زائو که موجب می شود قربانی گناه تقدیم کند، این است که چون او در لحظاتی که می‌خواهد کودک را به دنیا آورد در اثر درد شدید تصمیماتی آنی می‌گیرد که پس از زاییدن اجرا نخواهد کرد، لذا باید قربانی تقدیم کند تا بخشوده شود. در مورد ختنه نیز براین باورند که به اسرائیلیان کمک می‌کرد تا احتیاج به فدیة قربانی را که گناه را می‌پوشاند و کاملیت را به انسان باز می‌گرداند، بهتر درک کنند. مسیحیان نیز با این تصور که عیسی فدیة گناه آدم گردید، ختنه را لازم نمی‌دانند.

۱۳- تَزْرِیع-فصل سیزدهم «قوانین مربوط به جذام»

- قانون امراض پوستی و قانون برص دو موضوع عمده این فصل ۵۹ آیه‌ای می باشد.
- بعد از اینکه شخص مبتلا به بیماری پوستی نزد کاهن آورده می شود و جذام شخص توسط کاهن تأیید می گردد، کاهن هفت روز زخم را می بندد اگر درست نشد دوباره هفت روز دیگر می بندد و بعد با علائم موجود حکم به پاکی یا ناپاکی او می دهد.
- همینطور در این فصل انواع بیماری پوستی اعم از پیسی و طاسی و برص و آماس و سایر بیماری ها مطرح شده و دستورالعمل های مختلفی در مورد هر یک ارائه می شود.

۱۴- پاراشای مِصُوراع-فصل چهاردهم «قوانین تطهیر مبروص»

- در این فصل قوانین مربوط به تطهیر جذام و تطهیر بلای برص ذیل ۵۷ آیه مطرح شده است.
- طبق قوانین غسل، کسی که در تماس با اجساد، لاشه، چیز نجس، و یا مردمی که دارای برص اند باید از طریق غوطه وری در آب پاک شده و باید یک قربانی را ارائه دهند.

۹. و چنین مقرر است که در روز هفتم تمام مویش را بتراشد. سر، ریش و ابروها را، تمام موهایش را بتراشد. لباسهایش را بشوید بدنش را در آب غسل دهد تا پاک گردد.

۱۰. در روز هشتم دو بره ی نر بی عیب و بره ی ماده ی (هشت روزه تا) یکساله ی بی عیب و سه دهم (ایفا) آرد نرم هدیه ی آردی سرشته شده در روغن و یک لگ (پیمانه) روغن بیاورد.

در ادامه به بیان شیوه تطهیر بالای برص از خانه یهودیان می پردازد.

۳۶. کوهن (کاهن) قبل از این که برای مشاهده ی آن آسیب بیاید دستور دهد خانه را خالی کنند تا هرچه در خانه است، ناپاک نگردد. بعد از آن کوهن بیاید خانه را مشاهده کند.

۳۷. آن آسیب را بررسی نماید. اگر آن آسیب در دیوارهای خانه به صورت فرورفتگی سبزرنگ یا قرمز رنگ بوده و محل دید آن ها پستتر از دیوار باشد ...

۳۸. آن کوهن (کاهن) از خانه به در خانه بیرون آمده و آن خانه را هفت روز ببندد.

بعد از اینکه خاک و دیوار و همه چیز را با روش خود تطهیر کرد چنین بیان می کند که:

۵۲. آن خانه را با خون آن پرنده و با آب روان و با آن پرندگی زنده و با چوب سرو آزاد و با زوفا و با پشم رنگ شده ی قرمز پاک کند.

۵۳. پرنده ی زنده را به سوی خارج از شهر بر سطح صحرا آزاد نموده و برای خانه طلب رفع ناپاکی نماید، تا پاک گردد.

۵۴. این قانونی است برای هرگونه آسیب برص و برای بیماری جلدی.

۵۵. و برای برص لباس و خانه.

۵۶. و برای آماس (جلدی) و جرب و لکه ی بزاق.

۱۵- مِصُوراع - فصل پانزدهم «جریان نجس»

ترشحاتی که تولید نجاست می کنند در ذیل ۳۳ آیه در این فصل مطرح می گردد.

۲. با فرزندان یسرائل (اسرائیل) صحبت کرده به آن ها بگویند هر مردی که از آلتش جریان (غیرارادی) داشته باشد (به سبب) جریانش ناپاک است.

قوانین بسیار سختی برای چنین شخصی مطرح شده از جمله اینکه هر بستر یا هر وسیله ای که او رویش بنشیند ناپاک می شود و یا کسی که بستر او را لمس کند و کسی که روی اسبابی که او بنشیند و کسی که بدن جریاننداری را لمس کند و هرگاه جریاننداری به کسی که پاک است آب دهان بیندازد باید غسل کرده و تا غروب ناپاک خواهد بود. حتی هر ظرف سفالی که جریاننداری آن را لمس کند باید شکسته شود و هر ظرف چوبی باید آب کشیده شود.

تا اینکه بعد از مدت هفت روز از طهارتش، دو قربانی یکی برای سوختنی و دیگری گناه تقدیم کند تا پاک گردد.

در ادامه احکام منی را مطرح میکند اعم از وجوب غسل برای مردی که از او منی خارج می گردد، شستن لباسی که منی روی آن باشد. سپس احکام مربوط به زنان را مطرح می کند که آن هم با تقدیم دو قربانی تطهیر می گردد.

بنابه مفاد آیه‌های مطرح شده و با توجه به این آیات؛ کتاب وِیْقُرَا فصل ۱۲ آیه ۴، کتاب وِیْقُرَا فصل ۱۵ آیه ۳۱، کتاب وِیْقُرَا فصل ۲۲ آیه ۶ و ۷، شخص ناپاک فقط از ورود به بیت‌همیقداش (معبد مقدس) که در اورشلیم بود و از خوردن چیزهای مقدس تا پایان ناپاکی یعنی تا غسل کردن محروم است و ورودش به جاهای دیگر منع نشده است.

۱۶- اراشای آخَرِیْمُوت - فصل شانزدهم

فصل شانزدهم با ۳۴ آیه از اهمیت خاصی برخوردار است. در این فصل مراسمی که درباره ی روز معروف «کفاره» توسط کاهن اعظم اجرا می شود، نوشته شده است. روز کفاره سالی یک بار رخ می‌دهد آن روز، روزی است که کاهن اعظم به قدس‌الاقدس وارد می‌شود تا برای خود و برای قوم اسرائیل کفاره نماید. یک بز قربانی می‌شود و خون آن نیز بر تابوت عهد مالیده می‌شود و بز دیگر نیز از اردوگاه بیرون فرستاده می‌شود تا نمادی برای حمل کردن و دور کردن گناهان قوم اسرائیل باشد.

پس از آنکه دو پسر هارون بعلت سوزاندن بخور بر آتش غیر مجاز در حضور خداوند مردند، خداوند به موسی فرمود که رادرت هارون بگو که غیر از موعد مقرر، در وقت دیگری به قدس‌الاقداس که پشت پرده است و صندوق عهد و تخت رحمت در آن قرار دارند داخل نشود، مبادا بمیرد؛ چون من در ابر بالای تخت رحمت حضور دارم. سپس شرایط داخل شدن او به آنجا را بیان می کند که از جمله آن شرایط قرعه انداختن است.

از آیه ۲۹ تا پایان سوره مربوط به روزه کفاره و ابلاغ جاودانه آن است.

۲۹. این قوانین را همیشه باید اجرا کنید: در روز دهم ماه هفتم نباید کار بکنید، بلکه آن روز را در روزه بگذرانید. این قانون باید هم بوسیله قوم اسرائیل و هم بوسیله غریبانی که در میان قوم اسرائیل ساکن هستند رعایت گردد.

۳۰. چون در آن روز، مراسم کفاره برای آموزش گناهان انجام خواهد شد تا قوم در نظر خداوند طاهر باشند.

۳۱. این روز برای شما مقدس است و نباید در این روز کار کنید بلکه باید جانهای خود را رنج بدهید (روزه بگیرید). این قوانین را همیشه باید اجرا کنید.

۳۲. این مراسم در نسلهای آینده بوسیله کاهن اعظمی که بجای جد خود هارون برای کار کاهنی تقدیس شده، انجام خواهد شد. او باید لباس های مقدس کتانی را بپوشد،

۳۳. و برای قدس‌الاقداس، عبادتگاه، قربانگاه، کاهنان و قوم اسرائیل کفاره آند.

۳۴. شما باید سالی یک مرتبه برای گناهان قوم اسرائیل کفاره کنید و این برای شما یک قانون همیشگی است.

منظور از (جان‌های خود را ذلیل ساختن) در آیه ۳۱، روزه داشتن در آن روز است که نشانه اعتراف به گناه بود.

۱۷- آخَرِی مُوت - فصل هفدهم «اهمیت خون»

این فصل دارای ۱۶ آیه بوده و در مورد خون حیوانات می باشد.

هدف از این قانون این است که قوم اسرائیل دیگر در صحرا قربانی نکنند. بلکه قربانی های خود را دم درخیمه عبادت پیش کاهن بیاورند و آنها را بعنوان قربانی سلامتی ذبح کنند.

همچنین خوردن خون، از یهودی یا غریبه ساکن پذیرفته نیست و چنین شخصی از جامعه یهود مطرود است. اسرائیلیان از خوردن خون منع شده بودند. چرا که برای یَهُوه جان هر موجودی در خون آن موجود است. «که جان جسد در خون است.»

۱۰. و هر شخصی از خاندان بیسرائل (اسرائیل) و از غریبی که در میان شما زندگی میکند که هر نوع خونی بخورد خشمم را متوجه خورنده خون ساخته و او را از میان قومش نابود می‌سازم.

۱۱. زیرا جان هر بشری به (جریان) خونس بستگی دارد و من برای شما آن را برای قربانگاه تخصیص دادم تا برای جانهای شما سبب عفو شود، زیرا خون (قربانی) است که برای شخص سبب عفو می‌گردد.

۱۴. زیرا در وجود هر جنبنده ای (جریان) خون به منزله ی جان اوست. از این جهت است که به فرزندان بیسرائل (اسرائیل) گفتم خون هیچ جنبنده ای را نخورید زیرا جان هر جنبنده ای خونس است هر کس آن را بخورد از میان قوم اسرائیل طرد می‌گردد.

۱۸- آخری مَوْت - فصل هجدهم «روابط نامشروع»

در این فصل دیتورات صریحی در مورد زنان و اعمال قبیح در ذیل ۳۰ آیه مطرح شده است. از جمله آیات مهم تورات منع همجنس بازی در آیه ۲۲ این فصل آورده شده است. خداوند به قومش دستور می دهد که نه مانند مردم سرزمین مصر و نه مانند مردم کنعان بلکه طبق یک الگوی درست باهم روابط مشروعی داشته باشند.

۳. مانند (اهالی) سرزمین مصر که در آن ساکن بودید عمل نکنید و چون (اهالی) سرزمین کِنَعَن (کنعان) که من شما را به آن جا می‌آورم عمل نکنید و به قانونهای آنان رفتار ننمایید. از جمله موارد مطرح شده تحریم ازدواج با محارم است که نمونه ای از آنها را بیان می کند.

۶. هیچکدام از شما با هیچیک از خویشاوندان نزدیک یعنی محارم اقدام به ازدواج نکنید. من خداوند هستم.

۷. با زن پدرت (نامادری مطلقه) و با مادرت ازدواج نکن. مادرت است با وی همخوابگی نکن.

۸. با زن (بیوه ی) پدرت همخوابگی نکن ناموس پدرت است.

۹. با خواهرت دختر پدرت یا دختر مادرت خواه فرزند مشروع یا غیر مشروع باشد همخوابگی نکن.

۱۰. با دختر پسر یا دختر دخترت همخوابگی نکن چون که ناموس تو هستند.

۱۱. با دختر زن پدرت متولد از پدرت همخوابگی نکن خواهرت است.

۱۲. با خواهر پدرت همخوابگی نکن خویشاوند نزدیک (یعنی همخون) پدرت است.

۱۳. با خواهر مادرت همخوابگی نکن خویشاوند نزدیک است (یعنی همخون) مادرت است.

۱۴. با ناموس برادر پدرت که زن عموی توست اقدام به همخوابگی نکن.

۱۵. با عروست همخوابگی نکن زن پسر است با وی همخوابگی نکن.

۱۶. با زن برادرت که ناموس برادرت است همخوابگی نکن.

۱۷. با زنی و دخترش همخوابگی نکن. (پس از ازدواج با او) دختر پسرش و دختر دخترش را نگیر که با وی همخوابگی کنی. خویشاوند نزدیک هستند عمل زشتی است.

۱۸. زنی را با خواهرش نگیر که با وی همخوابگی کرده در حیات وی برایش هوو فراهم کنی.
۱۹. در موقع قاعدگی زن، به خاطر ناپاکی اش به او نزدیک نشو که با وی همخوابگی کنی.
۲۰. با زن همنوعت، زنی که همسر مرد دیگری است همبستر نشو تا خود را با او ناپاک سازی.
- در فراز ۲۱ به دوری از رفتار شبیه رفتار بت پرستان که بچه را از بین دو توده‌ی آتش به طرف بت مَوْلَخ عبور می‌دادند و او با آتشی که از درون بت مَوْلَخ زبانه می‌کشید می‌سوخت، هشدار می‌دهد.
۲۱. نگذار از فرزندان کسی را برای مَوْلَخ (بت مخصوصی است) نابود کنند و نام خداوندت را خوار نکن من خداوند هستم.
- فراز بعدی در نهی از هم جنس بازی است.
۲۲. با مذکر مانند زن همخوابگی نکن کار زشتی است.
۲۳. با هیچ چارپایی ارتباط جنسی برقرار نکن که با آن ناپاک گردی. زن با چارپا ارتباط جنسی برقرار نکند. عملی غیرطبیعی است.
- در ادامه خداوند به مردم هشدار می‌دهد که علت نابودی سرزمین قبلی همین اعمال ناپاک بود.
۲۵. این سرزمین ناپاک شد و گناه (ناپاک شدن) آن را به خاطر (ملوث شدن) آن انتقام گرفتم. پس آن سرزمین ساکنان خود را بیرون ریخت.

۱۹- پاراشای قِدْوشیم - فصل نوزدهم

- این فصل دارای ۳۷ آیه در باب قوانین مختلف می‌باشد. بیشتر قوانین مطرح شده در مورد روابط اجتماعی است. از آنجا که مردم آماده برای ورود به سرزمین موعود می‌شوند، فلذا آنها را از درگیر شدن با همسایگان خود و یا رفتاری مثل خدمت به بت منع می‌کند. چون احتمال تقلید شیوه‌های دیگر از کشورهای اطراف افزایش می‌یابد.
- نخستین دستور در رابطه با مقدس بودن بنی اسرائیل صادر شده و سپس حفظ احترام والدین و بعد حفظ حرمت روز شنبه بیان می‌شود.
۲. به تمام جمعیت فرزندان ییسرائل (اسرائیل) خطاب کرده به آن‌ها بگو مقدس باشید چون که من مقدسم. من خداوند خالق شما هستم.
۳. هر یک از شما از پدر و مادر خودتان ترس داشته باشید و تعطیلات (شب‌ات، قانون روز سبت) مرا مراعات نمایید. من خداوند خالق شما هستم.
۴. به بتها گرایش نداشته باشید و معبودهای ریختگی برای خودتان نسازید. من خداوند خالق شما هستم.
- در ادامه چند آیه در مورد احکام قربانی سلامتی بیان می‌کند. سپس با ذکر چند آیه ما را به یاد این جمله می‌اندازد؛ که آهسته درو کنید تا چیزی هم گیر خوشه چین‌ها برسد.
۹. هنگامی که حاصل زمین را درو میکنید گوشه‌ی صحرا را کاملاً درو نکن، خوشه‌ی ریخته‌ی درو خود را برنچین.
۱۰. خوشه‌های کم دانه انگور را نچین. دانه‌های ریخته‌شده‌ی انگور تاکستان را جمع نکن. آن‌ها را برای فقیر و غریب رها کن. من خداوند خالق شما هستم.

دستور به دوری از دزدی و دروغ و ظلم و سخن چینی و سایر دستورالعمل های اخلاقی از موضوعات آیات بعدی است:

۱۱. دزدی نکنید. مکر نکنید و به ممنوع خود دروغ نگویند.
 ۱۲. به نام من به دروغ سوگند یاد نکنید که نام خداوندت را بیحرمت کنی. من خداوند هستم.
 ۱۳. به ممنوعت ستم نکن، به حق او تجاوز منما. مزد مزدور (روزگار) تا صبح پیش تو نماند.
 ۱۴. کر را دشنام نده و سر راه کور مانع نگذار و از خداوندت ترس داشته باش. من خداوند هستم.
 ۱۵. در داوری بی عدالتی نکنید، از فقیر طرفداری بیجا نکن و بزرگ را محترم ندار و درباره همسایه خود با انصاف داوری نما.
 ۱۶. در میان قومت برای سخن چینی رفت و آمد نکن، خطر جانی ممنوعت را نادیده بگیر. من خداوند هستم.
 ۱۷. برادرت را در دل دشمن مدار، ممنوعت را حتماً نصیحت (توأم با احترام) بنما تا به خاطر وی خطا کار نشوی.
 ۱۸. از افراد قومت انتقام بگیر. کینه توزی نکن. همسایه ات را چون خودت دوست مدار. من خداوند هستم.
 ۱۹. قانونهای مرا مراعات کنید. حیوانات اهلی خود را به جفت گیری با حیوانات غیر همجنسشان وامدارید. در مزرعه خود دو نوع بذر نکارید و لباسی را که از دو جنس مختلف بافته شده نپوشید.
- بعد از اینکه چندین دستور اخلاقی اجتماعی صادر می کند، به یک مورد از حدود تجاوز اشاره کرده و حکم مربوط که تقدیم قربانی تقصیر است و نه قتل را بیان می دارد. ظاهراً در مورد کنیزی بحث می شود که متعلق به دو نفر بوده و یکی از صاحبان آن کنیز، او را آزاد نموده ولی صاحب دوم او را آزاد نکرده باشد. (نک کتاب پرشیت-پیدایش - فصل ۹ آیه های ۲۰-۲۶)
۲۰. اگر مردی با زنی خوابیده و نزدیکی کند در حالی که آن (زن) کنیز نامزد شده ی دیگری بوده، باز خرید کامل نشده باشد یعنی به او آزادی (کامل) داده نشده باشد محاکمه به عمل آید. آن ها کشته نشوند زیرا آن زن (کاملاً) آزاد نبوده است.
- طبق آیه ۲۳ تا ۲۵ یهودیان تا سه سال حق خوردن میوه هایی که در سرزمین موعود کاشته اند را ندارند، چون شرعاً نجس به حساب می آید. تمامی محصول سال چهارم را نیز باید برای تشکر از خداوند وقف و هدیه به او نمایند. در سال پنجم می توانند محصول را برای خود بردارند.
۲۵. ... اگر این قانون را رعایت کنید، درختان شما پرثمر خواهند بود.
- در آیه ۲۶ و ۳۱ یهودیان از سحر و جادوگری نهی شده اند.
۲۶. گوشتی را که هنوز خون در آن است نخورید. فال نگیرید. غیب گویی (جادوگری) نکنید.
۳۱. به احضار کنندگان روح و جادوگران مراجعه نکنید. خواستار ناپاک شدن به وسیله ی آن ها نباشید. من خداوند هستم.
- بعضی از اقوام مشرک همجوار یهودیان مانند بت پرستان گوشه های موی سر و ریش خود را می تراشیدند که در آیه ۲۷ دستور به ترک این کار به یهود داده شده است.
۲۷. دور سر خود را نتراشید و گوشه (های) ریشت را (با تیغ) نزن.

منع از خودآزاری در آیه بعدی مطرح شده است.

۲۸. به خاطر (درگذشت) کسی بدنتان را خراش ندهید. بر (تن) خودتان خالکوبی نکنید. من خداوند هستم.

دستور به حفظ حریم دختران توسط پدران در این آیه آمده است.

۲۹. دخترت را بدون عقد به کسی مده که او را به فاحشگی واداری تا مردم آن سرزمین مرتکب زنا نشوند و آن سرزمین پر از کار زشت نشود.

۳۰. تعطیلهای مرا مراعات کنید و مکان مقدس مرا مورد احترام قرار دهید من خداوند هستم.

احترام به بزرگترها و محبت به غریبه ها و انصاف در پیمانها از دیگر دستورات این فصل می باشد.

۳۲. از پیش پای ریش سفید (به حالت احترام) برخیز و عالم دینی را احترام بگذار و از خدایت ترس داشته باش. من خداوند هستم.

۳۳. هرگاه در سرزمینتان غریبی نزد تو اقامت داشته باشد او را مغیون نکنید.

۳۴. آن غریبی که با شما اقامت دارد چون تابعی از (کشور) خودتان باشد. او را چون خودت دوست بدار چون که در سرزمین مصر غریب بودید. من خداوند خالق شما هستم.

۳۵. در داوری و اندازه گیری و وزن و پیمانها بیانصافی نکنید.

۳۶. ترازوی درست وزنه های درست، ایفای (پیمانها برای جامدات) درست و هین (پیمانها برای مایعات) درست داشته باشید. من خداوند خالق شما هستم که شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم.

۳۷. تمام قانونها و احکام مرا رعایت نموده آنها را انجام دهید من خداوند هستم.

۲۰- قِدْوَشِیم - فصل بیستم

این فصل دارای ۲۷ آیه می باشد عمدتاً در مورد مجازات برخی گناهان مشخص، حکم صادر می کند.

حکم شخص اسرائیلی یا غریبه ی ساکن یهود که فرزندش را به بت مولک تقدیم کند سنگسار است. و اگر مردم از این کار ابا کنند مورد خشم خداوند قرار می گیرند.

۲. به فرزندان ییسرائل (اسرائیل) بگو از فرزندان ییسرائل و از غریبی که در (میان قوم) ییسرائل زندگی میکند هرکس از نسلش (کسی را) برای مَوْلِح (بت مخصوصی است) تخصیص دهد حتماً کشته شود. عامه ی مردم او را سنگباران کنند.

حکم رجوع به جادوگران طرد شدن از جامعه یهود می باشد.

۶. اگر کسی به احضارکننده ی روح و جادوگر رجوع کند تا با پیروی از آنها منحرف شود من خشمم را متوجه آن شخص نموده او را از میان قومش نابود خواهم کرد.

۲۷. و مرد یا زنی که بین آنها عمل احضار روح یا جادوگری باشد حتماً کشته شوند. آنها را سنگباران کنید خونشان بهگردن خودشان است.

مجازات دشنام و نفرین والدین مرگ است.

۹. هرگاه کسی پدر و مادرش را (حتی بعد از درگذشتشان) دشنام دهد حتماً کشته شود. (چون) پدر و مادرش را دشنام داده کشته شود خورش به گردن خود اوست.

حد زنا و لواط در آیات ۱۰ تا ۱۶ به قتل و سوزاندن تعبیر شده است.

۱۰. اگر مردی با زن عقد شده یعنی با زن هم‌نوعش زنا کند، مرد و زن زنا کننده حتماً کشته شوند.

۱۱. مردی که با زن پدرش هم‌خوابگی کند با ناموس پدرش هم‌خوابگی کرده است هر دو حتماً کشته شوند خورش به گردن خودشان است.

۱۲. اگر مردی با عروسش هم‌خوابگی کند هر دو کشته شوند. (چون) مرتکب فجور شده‌اند کشته شوند. خورش به گردن خودشان است

۱۳. و مردی که با مذکری همانند آمیزش با زن هم‌خوابگی کند هر دو ی آن‌ها حتماً کار زشتی کرده‌اند، حتماً کشته شوند خورش به گردن خودشان است.

۱۴. و (عمل) مردی که زنش و مادر زنش را بگیرد زشت است و او و آن‌ها را با آتش بسوزانید. در میان شما عمل زشت نباشد.

۱۵. کسی که با چارپا هم‌خواب شود حتماً کشته شود و آن چارپا را (نیز) بکشید.

۱۶. و زنی که به هر چارپایی نزدیک شود تا با او جماع کند آن زن و آن چارپا را بکش. حتماً کشته شوند خورش به گردن خودشان است.

برخی از گناهان موجب طرد از جامعه می شود و نفرت خدا و قوم را به همراه دارد.

۱۷. اگر مردی خواهر خود یعنی دختر پدر یا دختر مادرش را بگیرد و یا عورت او را ببیند و آن خواهر هم عورت او را ببیند این عمل شرم‌آور است. در حضور اهل قومشان به مرگ ناپهنگام خواهند مرد (و چون آن برادر مسئولیت مستقیم دارد) با هم‌خوابگی با خواهرش متحمل گناه هم میشود.

۱۸. و مردی که با زنی در حال قاعدگی خوابیده و مقاربت کند منبع خون (قاعدگی) او را آشکار کرده و آن زن هم منبع خون (قاعدگی) خود را آشکار ساخته است هر دو از میان قوم خود به مرگ ناپهنگام خواهند مرد.

۱۹. با خواهر مادرت و خواهر پدرت هم‌خوابگی نکن زیرا کسانی که با خویشاوندان (محارم) خود هم‌خوابگی کنند گناهشان را به گردن خواهند داشت.

۲۰. و مردی که با زن عمو یا زن دایی خود هم‌بستر شود با ناموس عمو یا ناموس دایش هم‌خوابگی کرده است. خطایشان را به گردن خواهند داشت بیفرزند خواهند مرد.

۲۱. و کسی که زن برادرش را (که بعد از فوت شوهرش بچه دار باشد) بگیرد عملش زشت است. با ناموس برادرش هم‌خوابگی کرده است بی فرزند خواهند مرد.

خداوند دستور می دهد که اگر یهودیان خواهان مقدس ماندن و سکونت در سرزمین موعود دارند باید تمام قانونها و احکام را مراعات نموده و به قانونهای قوم قبلی که اخراج شدند عمل نکنند. اگر این قوانین را مراعات کنند وعده خداوند تحقق می یابد که:

۲۴. به شما گفتم شما زمینشان را وارث خواهید شد و من آن را یعنی سرزمینی را که در آن شیر و شهد جاری است به شما خواهم داد که آن را به ارث ببرید. من خداوند خالق شما هستم که شما را از (سایر) اقوام مجزا ساختم.

۲۱- پاراشای اُمور - فصل بیست و یکم

این فصل دارای ۲۴ آیه است. قوانین مربوط به کاهنان که موجب تقدس آنها می گردد در این باب مطرح شده است.

کاهن با بدن مرده تماس پیدا نمی کند- به جز برای بستگان نزدیک خود- و برخی محدود در مورد آنها می تواند ازدواج کند.

۱. خداوند به مُشه (موسی) گفت به کوهن (کاهن)ها پسران اَهْرُون (هارون) اعلام داشته به آن‌ها بگو اگر کسانی برای کفن و دفن مرده‌ای حضور داشته باشند، خود را با مرده ای ناپاک نسازند.

۲. مگر برای خویشاوندی که به او نزدیک باشد. برای مادر و پدر و پسر و دختر و برادرش.

۳. و برای خواهر دوشیزه‌اش که در خانه است، یعنی مجرد میباشد یا عقد شده و هنوز به خانه ی شوهر نرفته است میتواند خود را ناپاک سازد.

کاهن نمی تواند با زن بدکار یا زن مطلقه ازدواج کند.

۷. کاهن نباید با یک فاحشه که خود را بی عصمت کرده و یا با زنی که طلاق گرفته ، ازدواج کند؛ چون او مرد مقدسی است .

یکی از آیات مورد توجه در سفر لاویان آیه ای است که به کاهن دستور می دهد که دختر بدکاره ی خود را زنده زنده بسوزاند.

۹. و دختر مرد کوهنی (کاهنی) که (عقد شده باشد و) اقدام به فاحشگی کند پدرش را بی حرمت کرده است، در آتش سوزانده شود.

کاهن اعظم که مقام ریاست دارد نباید حتی بر جنازه پدر و مادر خود دست بزند. همینطور نمی تواند با دختر غیر باکره یا دختر باکره‌ی یهودی شده ازدواج کند. که در اینصورت نسلش از قدوسیت خارج می گردد.

۱۱. و به هیچ مردهای نزدیک نشود. برای پدر و مادرش (هم) خود را ناپاک نسازد.

۱۳ و ۱۴ و ۱۵. و او با دختر باکره ازدواج کند. با این‌ها ازدواج نکنند: زن بیوه، طلاق گرفته، زنی که دارای شرایط اختصاصی نیست و زن فاحشه. مگر اینکه با دختر باکره‌ای از قومش ازدواج کند. (با ازدواج با یهودی شدگان هم) نسلش را از قدوسیت خارج نکند.

در ادامه خداوند به موسی دستور می دهد تا هارون از ورود و تقرب کاهنی که در او عیب و نقصی وجود دارد جلوگیری کند.

۱۷. به اَهْرُون (هارون) چنین بگو: در هر دوره از نسل تو، مردی که در او عیبی باشد برای تقدیم نان مقدس خداوندش جلو نیاید.

۱۸-۲۳. زیرا هر مردی که در او نقصی باشد نباید (برای خدمت) جلو بیاید. مثلاً مرد کور یا شل یا بینی فرو رفته یا دارای اعضای بی تناسب نباید تقرب حاصل کند. یا مردی که در او شکستگی پا یا شکستگی دست باشد. یا گوژپشت یا کوتوله یا کسی که در چشمش غباری باشد یا کسی که سفیدی و سیاهی چشمش در هم شده باشد یا جربدار یا مبتلا به سودا یا بیضه له شده (خواجه). ... (چون که) در او عیب هست برای تقدیم نان (مقدس) خداوندش تقرب حاصل نکند. نظر به این که عیب در اوست فقط نزدیک پرده ی جایگاه لوحه های ده فرمان نیاید و به قربانگاه نزدیک نگردد و ... مکانهای مقدس مرا بی حرمت نکند.

ولی میتواند ۲۲. از نان خداوندش که از فوق العاده مقدسه‌است و از چیزهای مقدس بخورد.

تمام قربانی‌ها و هدایایی که به خانه‌ی خداوند آورده می‌شود بر سه نوع است:

الف - آنهایی که تماماً سوخته می‌شوند مانند قربانی سوختنی و غیره (لاویان فصل اول)

ب - فوق‌العاده مقدس‌ها. (اعداد فصل ۱۸ آیه ۹)

ج - و آنهایی که جزء مقدس‌ها می‌باشند از قبیل قربانی تشکر و قربانی سلامتی و غیره.

۲۲- اُمُور - فصل بیست و دوم

در این فصل خداوند در ذیل ۳۳ آیه به تشریح تقدس قربانی‌ها و هدایا می‌پردازد.

سه آیه نخست در مورد مراقبت از موقوفه‌ها و حفظ پاکی آنها دستوراتی به کاهنان می‌دهد. در ادامه چند مورد دیگر نیز از احکام کاهنان را بیان می‌کند.

۴. هرکس از نسل اَهْرُونَ (هارون) که برص دارد یا جریاندار است تا موقعیکه پاک شود از چیزهای مقدس نخورد و همچنین کسی که به شخصی دست بزند که آن شخص مرده‌ای را لمس نموده یا از او منی خارج شده باشد (از چیزهای مقدس نخورد).

۵. یا کسی که به شخصی دست بزند که آن شخص بهوسیله‌ی (حتی قطعه‌ای از بدن) هر جنبنده‌ای یا به وسیله‌ی (حتی قطعه‌ای از بدن) آدم مرده‌ای ناپاک شده باشد (از چیزهای مقدس نخورد).

۶. شخصی که آن‌ها را لمس کند تا غروب ناپاک است ...

غیر از کاهن و غلام یا کنیزی که در خانه کاهن دنیا آمده و دختر کاهنی که یا طلاق بگیرد و بچه‌ای نداشته باشد و مثل زمان نوجوانیش به خانه‌ی پدرش برگردد کس دیگری نمی‌تواند از چیز مقدس بخورد. مانند بیگانه یا مهمان یا کارگر یا دختر کاهنی که به مرد بیگانه شوهر کند و غیره.

سپس در ادامه به بیان برخی دیگر از خصوصیات قربانی پرداخته و تاکید می‌کند که قربانی بی عیب و نقص باید باشد.

طبق دستور خدا در آیه ۲۸، گاو یا گوسفند را نباید با بچه‌اش در یک روز ذبح کنند. همچنین قربانی شکرانه باید با میل ذبح شود.

۲۹. هرگاه برای خداوند قربانی شکرانه ذبح کنید با میل و رغبت خود ذبح کنید.

۳۰. در همان روز خورده شود. از آن تا صبح باقی نگذارید. من خداوند هستم.

۲۳- اُمُور - فصل بیست و سوم

این فصل شامل ۴۴ آیه می‌باشد. بیان محفل‌های مقدس یهود، محور آیات این فصل است. یهودیان سالانه سه عید یا موسم را با شادی جشن گرفته، خالق را در آن‌ها سپاس می‌گفتند. یَهُوه همچنین احکامی در رابطه با کفرگویی، به جا آوردن سَبْت و یوبیل، رفتار با مستمندان و غلامان به قومش داده است.

نخستین مناسبت مربوط به روز سبت یا شنبه است.

۳. شش روز کار انجام گیرد و روز هفتم شبات تعطیل کامل، (و روز) اجتماع مقدس است. هیچ کاری نکنید. در هر جایی که باشید، شبات متعلق به خداوند است.

اولین عید که طرح می گردد عید فصیح است. در حال حاضر نیز یهود به مناسبت نجات از مصر که حادثه مهمی در تاریخ آنها به شمار می آید، عید می گیرند و این عید فصیح (پسح) نام دارد. به زبان فرانسوی به عید نجات بنی اسرائیل از مصر (فصح)، عید پاک می گویند. این عید مراسم ویژه‌ای دارد که ۷ هفته طول می کشد. خود عید فصیح یک هفته بیشتر طول نمی کشد اما پس از آن عید هفته‌ها وجود دارد که ۷ هفته است و به عید پنجاهه وصل می شود. روز پنجاهم این عید پنتیکات نام دارد که روز نتیجه‌گیری است، و به انگلیسی Easter گفته می شود.

۵. در ماه اول، در روز چهاردهم ماه بین‌العصرین، موقع ذبح کردن قربانی پَسَح برای خداوند است.

۶. و در روز پانزدهم این ماه عید فطیر برای خداوند است، هفت روز فطیر بخورید.

۷. در روز اول محفل مقدس برای شما باشد، از کارهای معمول خود دست بکشید.

۸. هفت روز هدیه آتشین برای خداوند بگذرانید، و در روز هفتم، محفل مقدس باشد؛ هیچ کار از شغل مکنید.

دومین جشن مربوط به عید نوبرها است. این عید مربوط به میوه‌ها و ثمرات نوبر و محصولات باغ هاست و قربانی و هدایایی که باید تقدیم شود.

سپس عید هفته‌ها را بیان می کند. بعد از عید نوبرها هفت هفته و بعد پنجاه روز بعد هدیه آردی با شیوه خاصی باید تقدیم شود. در پایان نیز دستور به کشاورزان است که آهسته درو کنید تا چیزی هم گیر خوشه چینان برسد.

۲۲. و چون محصول زمین خود را درو کنید، گوشه‌های مزرعه خود را تماماً درو مکن، و حصاد خود را خوشه‌چینی منما، آنها را برای فقیر و غریب بگذار. من یهوه خدای شما هستم.

عید کرناها یا عید شیپورها در ماه هفتم در روز اول ماه، برگزار می شود.

۲۴. به فرزندان ییسرائل (اسرائیل) بگو در ماه هفتم اول ماه برای شما (روز) تعطیل و یادبود به صدا درآوردن شوفار (به علامت آژیر خطر) و روز اجتماع مقدس باشد.

عید کفاره یادآور روزه کفاره است. از غروب روز نهم ماه هفتم تا غروب روز بعد، روز مخصوص کفاره است و باید در آن روز روزه بگیرند. هرگونه تمرد از روزه گرفتن یا کار کردن در این روز موجب طرد از جامعه یهود خواهد شد.

عید خیمه‌ها یا عید سایه بانها از روز پانزدهم ماه هفتم به مدت هفت روز می باشد.:

۳۴. به فرزندان ییسرائل (اسرائیل) چنین بگو: از روز پانزدهم ماه هفتم برای خداوند هفت روز عید سوکوت (سایبان‌ها) است.

۴۱. و آن را هر سال هفت روز برای خداوند عید نگاه دارید، برای پشت‌های شما فریضه‌ای ابدی است که در ماه هفتم آن را عید نگاه دارید.

۴۲. هفت روز در خیمه‌ها ساکن باشید؛ همه متوطنان در اسرائیل در خیمه‌ها ساکن شوند.

۴۳. تا طبقات شما بدانند که من بنی اسرائیل را وقتی که ایشان را از زمین مصر بیرون آوردم در خیمه‌ها ساکن گردانیدم. من یهوه خدای شما هستم.

۲۴- اُمور فصل بیست و چهارم

این فصل دارای ۲۳ آیه بوده و در مورد چهار موضوع متفاوت دستوراتی ارائه می‌کند.

موضوع اول در مورد نگهداری از چراغهاست. خداوند به بنی اسرائیل فرمان می‌دهد با هدایای آتشین یعنی روغن زیتون، چراغ مکان مقدس را همواره برافروخته دارند.

۲. به فرزندان ییسرائل (اسرائیل) چنین دستور بده، برای روشنایی یعنی برای روشن کردن چراغ دائم، روغن زیتون کوبیده زلال به نزدت بیاورند.

۴. چراغها را همیشه روی چراغدان پاک در حضور خداوند مرتب کند.

موضوع دوم نان مقدس است. هدیه آرد به چه شیوه ای پخته شده و روی میز چیده شود و در هر شب کاهنان آن را بخورند.

۹. (آن نان) به اهرُون (هارون) و به پسرانش تعلق یابد. آن را در محل مقدس بخورند. زیرا از هدیه های (قربانگاه) خداوند برای او فوق العاده مقدس است. قانون ابدی است.

موضوع سوم در مورد مجازات لعن و نفرین است. ابتدا داستان زن یهودی است که دارای پسری از یک مرد مصری بود. پسرک با مردی یهودی نزاع کرده و نام خداوند را به کفر و لعن بر زبان جاری کرد. وی را که نام مادرش شلُومیت دختر دیوری از سبط دان بود، نزد حضرت موسی آوردند. وی را بازداشت کردند و منتظر مجازات طبق امر خدا ماندند. خداوند مجازات او را چنین به موسی امر کرد:

۱۴. کسی را که ناسزا گفته است به خارج از اردوگاه ببر و تمام کسانی که شنیده اند دستشان را روی سر وی بگذارند. سپس تمام جماعت وی را سنگباران کنند.

۱۶. و کسی که نام خداوند را کفر گوید حتماً کشته شود. حتماً تمام جماعت او را سنگباران کنند. چه غریب و چه تابع وقتی که نام (صریح خداوند) را کفر گوید کشته خواهد شد.

موضوع چهارم در مورد حکم قصاص است. ضمناً این قانون واحد طبق آیه ۲۲ برای همه یکسان است، خواه غریب باشد و خواه بومی.

۱۷. و کسی که جان آدمی را مورد حمله قرار دهد (و او را بکشد) حتماً کشته شود.

۱۸. و کسی که جان چارپایی را مورد حمله قرار دهد (و او را بکشد) (عوض) آنرا بپردازد.

۱۹. و کسی که موجب نقصی در بدن همنوعش گردد آن چنان که کرده است همان طور با وی عمل شود.

۲۰. شکستگی به جای شکستگی، چشم به جای چشم، دندان به جای دندان. اگر موجب نقصی در شخصی بشود، همان عمل را در مورد او انجام دهند.

۲۱. کسی که چارپایی را بزند (و بکشد) باید عوضش را بپردازد ولی کسی که آدمی را بزند و بکشد، کشته خواهد شد.

۲۵- پاراشای پهرسینی - فصل بیست و پنجم

احکام به جا آوردن سبب و یوبیل همان سالهای هفتم و سال پنجاهم در ۵۵ آیه به یهودیان ارائه می شود.

خداوند می فرماید که وقتی به سرزمینی موعود رسیدید، هر هفت سال یک بار بگذارید زمین استراحت کند. شش سال زمینهای زراعتی خود را بکارید، درختان انگورتان را هرس نمایید و محصولات خود را جمع کنید، ولی در طول سال هفتم زمین را وقف خداوند کنید و چیزی در آن نکارید. در سال هفتم نباید بذری کاشته شود یا حتی گیاهی خودر درو گردد. سال هفتم سال استراحت بوده و محصول آن برای همه از جمله، خودشان و کارگران و بردگان شما، و مهمانان و حتی حیوانات اهلی و وحشی می باشد. در آیه ۲۲ خداوند وعده می دهد که محصول سال ششم را بقدری برکت می دهد که تا زمان برداشت محصولی که در سال هشتم کاشته شده باقی بماند و مردم از آن محصول سال ششم بخورند.

اما در مورد سال یوبیل که هر پنجاه سال یک بار، در روز کفاره که روز دهم از ماه هفتم است، در سراسر سرزمین شیپور نواخته شده و اعلام سال مقدس می شود. سال پنجاهم سالی است که تمام مایملک فروخته شده به صاحبان اصلی یا وارثان و تمام بردگان به خانواده شان برگردانده می شود.

در سال یوبیل است نه بذر کاشته می شود و نه محصول درو می گردد. خوراک سال یوبیل از گیاهان خودرو یمزار می باشد. همه به املاک اجداد خود برمی گردند و خانه ها باید با انصاف معامله شود. اما طبق آیه ۳۳ و ۳۴ یک استثنا در این مورد وجود دارد ان هم لویان است چون به لویها مثل قبیله های دیگر زمین زراعتی داده نمی شود، بلکه فقط در شهرهای خودشان به ایشان خانه داده می شود، پس لویها اجازه ندارند مزرعه های حومه شهر خود را بفروشند، زیرا اینها ملک دائمی ایشان است.

در ادامه توصیه هایی در مورد مهمانان و فقرای یهود داده می شود. طبق آیه ۳۷، در مورد ربا هم معتقدند که اگر پولی برای کسب و کار قرض گرفته می شد، قرض دهنده می تواند سود یا بهره درخواست کند. اما شریعت در مواقعی که پولی به مستمندی برای رفع احتیاجاتش قرض داده می شد، بهره گرفتن را منع کرده است.

۳۵. اگر یکی از برادرانت (هم نژادان اسرائیلی تو) فقیر شد، وظیفه توست که به او کمک کنی. پس از او دعوت کن تا به خانه تو بیاید و مثل مهمان با تو زندگی کند.

۳۶. از او هیچ سود نگیر، بلکه از خدای خود بترس و بگذار برادرت با تو زندگی کند.

۳۷. برای پولی که به او قرض می دهی سود نگیر و بدون منفعت به او خوراک بفروش.

سپس با طرح یک حکم به نوعی نژاد برتر تصور کردن یهود و عدم توجه به مفاهیم برابری انسانی را مطرح می کند. چرا که از یهود می خواهد فقیران بنی اسرائیل که به خاطر فقر به غلامی می آیند را مثل کارگر روزمزد یا مهمان رفتار کند و او فقط تا سال یوبیل برایش کار کند. اما در ادامه چنین می گوید:

۴۴. اما اجازه دارید بردگانی از اقوامی که در اطراف شما ساکنند خریداری کنید.

۴۵. و همچنین می توانید فرزندان غریبانی را که در میان شما ساکنند بخرید، حتی اگر در سرزمین شما بدنیا آمده باشند. ۴۶. آنان بردگان همیشگی شما خواهند بود و بعد از خودتان می توانید ایشان را برای فرزندانان واگذارید. ولی با برادرانتان از قوم اسرائیل چنین رفتار نکنید.

۲۶- پهرسینی - فصل بیست و ششم

این فصل با ۴۶ آیه دستوراتی برای پاداش اطاعت و مجازات عدم اطاعت ارائه می دهد.

دستور نخست با نهی از بت پرستی آغاز می شود.

۱. برای خود بتهایی نسازید و مجسمه و ستون پرستشگاه برپا نکنید و در سرزمین خود سنگ مصور قرار ندهید که به آن سجده کنید. زیرا من خداوند خالق شما هستم.

سپس تا آیه ۱۳، برکتی که خدا به بواسطه اطاعت به ایشان می دهد را یادآوری می کند.

۴. بارانهای شما را به موقع خودش خواهیم داد و آن سرزمین حاصل بهار آورده و درخت کشتزار، میوهاش را خواهد داد.

۶. در آن سرزمین صلح برقرار میکنم، بخواهید و نگران کنندهای نخواهد بود. حیوان درنده را از آن سرزمین دور میکنم و در سرزمین شما شمشیر عبور نخواهد کرد.

۸. پنج نفر از شما یکصد نفر را و یکصد نفر از شما دههزار نفر را تعقیب خواهند کرد و دشمنانتان به ضرب شمشیر پیش شما خواهند افتاد.

۱۱. مکان سکونت را در میان شما قرار داده و روحم از شما نفرت نخواهد داشت.

ادامه آیات تا پایان فصل مربوط به جزای نافرمانی و سرپیچی از اطاعت خدا است.

۱۶. من هم با شما چنین عمل خواهم کرد: وحشت و سل و تب را که چشمها را تباه میکند و جان را میگدازد بر شما مستولی میکنم. بذر خود را بیفایده خواهید کاشت و دشمنانتان آن را خواهند خورد.

۱۷. خشم خود را متوجه شما خواهم کرد تا از دشمنانتان شکست بخورید و دشمنانتان بر شما فرمانروایی کنند و بدون این که برای شما تعقیبکنندهای در کار باشد بگریزید.

۱۹. غرور قدرت شما را خواهم شکست. آسمان شما چون آهن، و زمین شما را مثل مس قرار خواهم داد.

آسمان کنعان به دلیل کمبود باران به ظاهر مانند آهنی سخت و بدون روزن، و زمین آن به درخشندگی مس می شود.

۲۲. حیوانات درنده صحرای میان شما میآورم تا شما را بی بچه سازند و چارپایانتان را نابود نموده (عده ی) شما را کم کنند و راههای شما ویران خواهد شد.

۲۵. و شمشیر انتقام را بر شما فرود میآورم تا تلافی عهد(شکنی) را بکند و هنگامی که در شهرهای خود اجتماع نمایید وبا را به میان شما خواهم فرستاد تا به دست دشمن تسلیم گردید.

۲۶. پشتگرمی شما را از داشتن خواربار از بین میبرم تا آنجا که ده خانوار نانشان را در یک تنور بپزند و نان شما را به صورت جیره برگردانند. میخورید و سیر نمیشوید.

معمولاً هر زن برای پختن مایحتاج نان خانواده، تنوری مختص به خود احتیاج داشت. اما در این آیه آنچنان به کمبود غذا اشاره شده که در یک تنور می‌توان مایحتاج ده زن را پخت. این یکی از نتایج از دست دادن تقدس بود که پیشگویی شده بود.

۲۸. به شدت برای شما تصادف ایجاد میکنم. من هم شما را هفت برابر خطاهایتان تنبیه خواهم کرد.

۲۹. به حدی که از شدت گرسنگی گوشت پسران و دخترانتان را خواهید خورد.

۳۳. و شما را در بین قومها پراکنده ساخته و پشت سر شما شمشیر خواهم کشید. سرزمینتان ویرانه شده شهرهایتان خراب میگردد.

۴۳. فقط به سبب این که از احکام من نفرت داشتند و طرز فکرشان قانونهای مرا مردود نمود آن سرزمین بهخاطر (گناه) آن‌ها متروک خواهد شد. و چون در تعطیلات (سالهای هفتم) خود، روی آسایش ندیده بود حال روی آسایش خواهد دید و آن‌ها به مکافات گناهان خود خواهند رسید.

۲۷- بحقوقتی - فصل بیست و هفتم «موقوفات برای خداوند»

فصل آخر کتاب لاویان دارای ۳۴ آیه بوده و در مورد قوانین مربوط به موقوفات می باشد. ابتدای آیات درباره وقف انسان و مبلغی که از بابت او پرداخته می شود با بیان مقدار و ارزیابی مشخص بر اساس مذک و مونث بودن و سن و سال مطرح می گردد.

۲. به فرزندان ییسرائل (اسرائیل) بگو هرگاه شخصی به موجب نذری به خداوند وقف شود، می تواند مبلغ معینی بپردازد و خود را از وقف آزاد سازد.

و اگر از چارپایان وقف خدا بشود، نمی توان آن را با چیز دیگری عوض کرد. مگر اینکه آن چارپا حرام گوشت باشد که می توان مبلغ ارزیابی شده توسط کاهن به جای آن بپردازد. ضمناً اگر بخواهد چارپای مقبولی را بازخريد نماید باید علاوه بر قیمتش، یک پنجم بر مبلغ ارزیابی آن بیفزاید. در مورد خانه ای که وقف می شود هم چنین است اگر واقف قصد بازخريد داشته باشد. سپس به تفصیل احکام زمین زراعی وقفی را بیان می کند.

یکی دیگر از احکام مطرح شده در مورد عشر (یک دهم) و سهم خداست.

۲۶. اولین نوزاد هر حیوانی (حلال گوشت) متعلق به خداوند است ، پس کسی نمی تواند آن را برای خداوند نذر کند. اولین نوزاد حیوان حلال گوشت را می توان به خداوند تقدیم کرد.

۲۷ اما نوزاد حیوان حرام گوشت را که نمی توان برای خداوند قربانی کرد، می توان با پرداخت قیمتی که کاهن برای آن تعیین می کند به اضافه یک پنجم ، بازخريد نمود. اگر صاحبش نخواهد آن را بازخريد کند، کاهن می تواند آن را به شخص دیگری بفروشد.

حکم محکوم به مرگ با فدیة لغو نمی شود.

۲۹. کسی که در دادگاه به مرگ محکوم شده باشد نمی تواند جان خود را بازخريد نماید، بلکه باید حتماً کشته شود.

۳۰. ده یک محصول زمین ، چه از غله و چه از میوه، از آن خداوند است و مقدس می باشد.

۳۱. اگر کسی بخواهد این میوه یاغله را بازخريد نماید، بايد يك پنجم به قيمت اصلي آن اضافه کند.

۳۲. ده یک گله و رمه از آن خداوند است . وقتی حیوانات شمرده می شوند، هر دهمین حیوان متعلق به خداوند است.

۳۳. صاحب گله نباید حیوانات را طوری قرار دهد که حیوانات بد برای خداوند جدا شوند و نباید جای حیوان خوب را با بد عوض کند. اگر چنین کند، هر دو حیوان متعلق به خداوند خواهند بود و دیگر هرگز حق بازخريد آنها را نخواهد داشت .

منابع:

- ۱- سایت دانشنامه جهان اسلام، www.encyclopaediaislamica.com
- ۲- سایت انجمن کلیمیان تهران، <http://www.iranjewish.com>
- ۳- دانشنامه صهیونیسم و اسرائیل، <http://www.maarefelestin.com>
- ۴- سایت کتابشناسی یهود ایران، <http://ketabshenasiyahoodiran.com>
- ۵- پایگاه اطلاع رسانی حوزه، <http://www.hawzah.net>
- ۶- سایت ویکی نبشته، <http://fa.wikisource.org>
- ۷- سایت دایره المعارف طهور، <http://tahoor.com>
- ۸- سایت پژوهشکده باقرالعلوم، www.pajoohe.com
- ۹- سایت دانشنامه آزاد ویکی پدیا، <http://fa.wikipedia.org>
- ۱۰- سایت مرکز پژوهش های مسیحی، www.farsicrc.com
- ۱۱- سایت نشریات شاهدان یهوه، <http://wol.jw.org>
- ۱۲- پایگاه اخلاقی الله، <http://www.allah۱.ir>